

منشوری برای دولت «وفاق ملی»-۲

وفاق سیاسی



کیومرث اشترینان

هویت سیاسی کسانی که شناسنامه ایرانی دارند از قم تا «لس‌آنجلس» گسترده است. در سلسله نوشتارهای «منشوری برای دولت وفاق ملی»، مقاله امروز را به وفاق سیاسی اختصاص داده‌ام. هر قدرت سیاسی مرکزی در ایران با این دامنه متضاد و متکثر مواجه است. به دلیل این تنوع و تکثر که خود جمع اضداد است، هر تئوری وفاقی می‌تواند خود را فقط در بخشی از این دامنه تعریف کند. مسئله سیاست وفاق تنها این نیست که چقدر این دامنه را پوشش می‌دهد، بلکه مسئله از آن سو هم هست که طرف‌های این جمع اضداد چقدر ظرفیت وفاق‌پذیری دارند. «وفاق سیاسی» که پزشکیان ارائه می‌دهد، در گام نخست فقط ظرفیت این را دارد که بخشی از این دامنه را دربر گیرد؛ یعنی حوزه‌ای که شامل بخشی از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان سنتی است و ظاهراً این‌ دو در فرآیندی تاریخی به قول مولانا «هم زبان هم‌دگر آموختند». اما اینکه این حوزه نیز تا چه حد ظرفیت گسترش دارد یا اینکه اضداد این دامنه خود تا چه حد ظرفیت وفاق دارند پرسشی است که نه به «وفاق پزشکیانی» بلکه بستگی به خود آنان نیز دارد. مثلاً پرسش‌هایی ازجمله اینکه این اضداد تا چه حد خود به تمامیت ارضی ایران، احترام به دین، اکرام شریعت و توسعه ملی پایبندند، نشان‌دهنده ظرفیت آنان برای وفاق است. هویت سیاسی کسانی که شناسنامه ایرانی دارند، «ویترینی» از گرایش‌های سیاسی متضاد است که از منتهی‌الیه چپ انترناسیونال تا منتهی‌الیه راست گلوبالیستی، از شوینیسم ایرانی تا انترناسیونال امت اسلامی را دربر می‌گیرد. هر یک از این‌ گروه‌ها برای خود پادشاهی، خسروی و جان‌پروری خوش‌لقا در آینه قدرت می‌بیند. در نگاهی معنوی- اخلاقی طیف شناسنامه‌دار ایرانی که از خود هویت سیاسی بروز می‌دهند، از اعماق تاریک و فسادآلود زمین تا بلندای آسمانی عرفان گسترده‌اند. اگرچه شاید همین تکثر در میان ملل گوناگون یافت می‌شود، اما بازنمود سیاسی این‌ گرایش‌ها شاید به شدت و حدت ایرانیان نباشد؛ به‌ویژه آنکه فضای مجازی امکان «اظهار خود» را فراهم کرده و بدین‌سان دسته‌ها آفریده، گروه‌ها بر ساخته، احزاب برآورده و سلاح‌ها برکشیده است.

بنابراین یک پرسش مهم برای وفاق سیاسی که در برابر همه اصلاح این جمع اضداد وجود دارد، این است که چگونه زندگی‌کردن با دیگری را توجیه کنند؟ به هر حال همه شناسنامه ایرانی دارند. همه حق خاک و خون دارند. همه از حق قانونی برای شهروندی برخوردارند و از این‌رو با یکدیگر دادوستد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی دارند. پاسخ به این پرسش که این قم‌نشین و آن لس‌آنجلس‌نشین چگونه خود را توجیه کنند که باید با یکدیگر «دادوستدی ایرانی» داشته باشند، یک پرسش مهم در تئوری وفاق است. این پرسش واضحاً بسیار فراتر از ظرفیت «وفاق پزشکیانی» است؛ اگر منصف باشیم می‌توان گفت اگر این یک نقیصه باشد، نه‌فقط نقص پزشکیان که نقص خود این جامعه است که مجموعه‌ای از اضداد است. پاسخ به پرسش وفاق به فرهنگ سیاسی ما ایرانیان بستگی دارد. ما هر نظریه سیاسی که داشته باشیم، نیازمند یک تئوری ثانوی و تکمیلی برای زندگی با یکدیگریم. یعنی اگر شما در این یا آن سر طیف هستید و مثلاً یک تئوری مذهبی، ملی، سکولار، لیبرال، … دارید، نیازمند یک «تئوری سازگاری» برای سازش مدنی و زندگی با دیگری هستید. این «تئوری سازگاری» می‌تواند مثلاً ریشه در تسامحی از جنس «عرفان ایرانی»، تمامیت سرزمینی و هویت تاریخی ایران داشته باشد. این سه عنصر اگرچه هیچ‌کدام سیاسی بماهو سیاسی نیستند (و چه بهتر که نیستند) اما ظرفیت این را دارند که محصولی سیاسی داشته باشند و آن هم اینکه توجیهی سیاسی برای کنار هم نشستن را فراهم کنند. بنابراین اینکه گفته می‌شود پزشکیان باید بتوانند همه را راضی کند تکلیفی است که همه نیروهای سیاسی ایرانی از برآورده‌کردن آن ناتوانند و این تکلیف مالاطلاق را نباید از یک انتخابات لحظه‌ای از تاریخ این تمدن کهن را دربر می‌گیرد توقع داشت. مسئله یک مسئله ریشه‌دار تاریخی-فرهنگی است

و بنابراین راه‌بردی و رویکردی می‌تلبد که فرهنگی، سیاسی، تاریخی و هویتی است.

سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۳
۱۵ صفر ۱۴۴۶
۲۰ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۰۸
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: بعد از تعریف و تمجیدها وقت پاسخ‌دادن به چند ابهام رسیده است/ در جست‌وجوی مسئول یک آبروبریزی • جمعیت ایران از ۹۱ میلیون نفر گذشت

گزارشی از پیامدهای افزایش دو برابری املاح آب‌های زیرزمینی در چند دهه گذشته و آسیب‌های آن به صنعت کشاورزی

چالش‌های خاک شور

گزارش تیتریک را در صفحه ۴ بخوانید



گزارشی از روز آرام مجلس در بررسی صلاحیت وزرا و حواشی پررنگی که متن مجلس را تحت تأثیر قرار داد

حاشیه‌های بی‌تاب‌پایداری

یادداشت

نگاهی گذرا به برنامه بخش کشاورزی دولت چهاردهم



عبدالحسین طوطیایی

پژوهشگر کشاورزی

برنامه ارائه‌شده از سوی نامزد تصدی وزارت جهاد کشاورزی دولت چهاردهم، صرف‌نظر از شباهت شکلی و محتوایی آن با برنامه وزرای پیشین، دربرگیرنده نکات و موارد شایان تأملی نیز هست. مواردی که باید در مجالی مناسب به آنها پرداخته شود. از آنجا که آرزوی موفقیت دولت دکتر پزشکیان و کارگزاران منتخب ایشان در دل جامعه مدنی کشورمان می‌جوشد، لازم می‌دانم در این فرصت کوتاه به پاره‌ای از نکات این برنامه اشاراتی کنم. در تبیین «هدف اصلی» برنامه، دستیابی به امنیت غذایی اشاره شده است. البته راهبرد امنیت غذایی از اصلی‌ترین وظایف دولت و نظام مدیریتی کشورهاست. هدفی که تمامی نهادهای اجرایی، قضائی و قانون‌گذاری باید برای تحقق آن متعهد باشند. متولی بخش کشاورزی نیز تنها به اتکای تلاش برای افزایش بهره‌وری پایدار در منابع محدود موجود، باید در تلاش برای ارائه سهم خود به منظور دستیابی به آن بوده و هرگز تمامی این مهم را بر عهده نکیرد. متأسفانه تلقی ذهنی و روییایی از توان بالقوه بخش کشاورزی در گذشته موجب انتظارات غیرواقعی از آن شده و چه‌بسا تا ۳۰۰ میلیون نفر هم بر سفره آن فراخوانده شده‌اند. نکته دیگر، تأکید برنامه بر توجه ویژه به «بهره‌برداران زحمتکش و به‌طور خاص «کشاورزمحوری» به‌جای «کشاورزمحوری» است. چنین نگاهی که برخاسته از ششور و آرمان‌های محرومیت‌زدایی در کوران انقلاب اسلامی بود، موجب تشکیل نهاد جهاد سازندگی در بهار ۱۳۵۸ شد. در این رویکرد به‌جای تمرکز بر توسعه کشاورزی و در نتیجه

یادداشت

کار از کجا‌گره می‌خورد؟



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

سیاست‌گذار را تعیین کرده، همان رویه مالوف تثبیت نرخ ارز (تا آنجا که امکان‌پذیر است و سپس شوک‌درمانی)، به‌عنوان لنگر تورم بوده است (در برنامه هفتم توسعه درباره نرخ ارز تنها به تبادل‌ارزی بین دولت و صادرکنندگان و صرافان و ... با حفظ ثبات‌بخشی به تورم و ممنوعیت تبلیغات برای خرید و فروش ارز و... اشاره شده است- «ماده ۸۱»). درباره قیمت‌گذاری دستوری نیز هرچند با تصویب ماده ۴۸ برنامه هفتم و ممنوعیت «قیمت‌گذاری دولتی به استثنای کالا‌های اساسی یارانه‌ای و کالا‌های انحصاری و خدمات دولتی» گام اولیه برای گذر از این معضل بزرگ برداشته شده است اما با توجه به قدرت ذی‌نفعان و نهادهای قدرتمندی مانند سازمان تعزیرات و سازمان حمایت و... و پیچیدگی تعیین اینکه کدام کالا و خدمات در اقتصاد یارانه‌زده کشورمان از اقلام یارانه‌ای استفاده کرده‌اند، کار بسیار سختی در پیش است و باید منتظر ماند و عملکرد دولت را دید.

باهمت خانه اندیشمندان علوم انسانی

انتشارات کتاب شرق «دور مانده از توسعه» را رونمایی کرد

این نشست با حضور مترجمان اثر زهرا کریمی و سیدمقداد ضیا تیار برگزار شد. محمد پورنیک، محمد فاضلی و حجت میرزایی نیز کتاب فوق‌را نقد و بررسی کردند

۱۲

برگزیده‌ها

حماس پیشنهاد آتش‌بس را رد کرد فرصت آخر برای توافق؟

گزارش «شرق» از ماجرای ترور هنیه و پاسخ بحق ایران

تهران و ضرورت «سیاست ابهام»

۳

دربل آینده‌پژوهی فقر و نابرابری مؤسسه رحمان مطرح شد:

تمام ایرانیان به طور متوسط فقیرتر شدند

۶



گفت‌وگو با داودنژاد به بهانه اکران «مصائب شیرین ۲»

همیشه به ساخت فیلمی درباره مهاجران هم وطن فکر می‌کردم

۱۱

درباره ویژگی‌های احمد میدری نامزد وزارت کار یادداشتی از رضا امیدی

۸

یادداشت

دولت پزشکیان؛ آزمودن راه وفاق و تعامل



امیرنیک‌رویان

کارشناس رسانه

بزرگواران اصولگرا! بالاخص از نوع تندرو، تا آن زمان که بر «سریز قدرت»، تکیه زده و «خیال خوش» زمامداری بی‌درس‌در را در سر می‌پیروانند، هیچ‌کدام از اصلاح‌طلبان کارآزموده را حتی در «افق‌های دور» سیاست‌گذاری و مدیریت اجرایی کشور تصور نکردند و وقتی به آنها نهادند که باید برای اعتلای کشور و مردم، فضای لازم را برای فعالیت همگان مهیا کنند تا شاید گام‌های مؤثرتری برداشته شود و امروز مجبور باشیم برای بازگشت به نقطه سفور، هزینه‌های هنگفت سیاسی و بین‌المللی بپردازیم (طرفه آنکه «داس حذف» را همچون «شمشیر داموکلس» مدام بالای سرشان نگه داشتند). اما مردم بار دیگر به بدنه اصلاح‌طلبی کشور اعتماد کردند تا این بار «داس حذف» و «شمشیر داموکلس» در نیام نگه داشته شود و «وفاق ملی» آرم‌زوده شود؛ البته با امید به پیشرفت و رشد اقتصادی توأم با معیشتی عادی بر سر سفره‌هایشان! از سوی دیگر، کابینه معرفی‌شده رئیس‌جمهور، پیش از اینکه صدای ساز ناکوک مخالفان و رقبا را در بیاورد، باز هم بعضی از رفقای اصلاح‌طلب را به واکنش‌های تند و تیز واداشت. باید به هر گروه بزرگواران اصولگرا و اصلاح‌طلب تذکر داد که آرای مردم به پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور، با «شرط تعیین کابینه از قبل» نبوده؛ بنابراین همه‌های آشوبناک و سریع‌السر جریانات مختلف فکری و سیاسی برای تخریب زودهنگام رئیس‌جمهور را نمی‌توان چندان دلسوزانه تلقی کرد. بی‌تعارف باید در پی چنین مقدمه‌ای و چنان همه‌های، اذعان کرد امروز آن دسته از اصولگرایانی هم که بر طبل «وفاق ملی» می‌کوبیدند، سهم خودشان را از کابینه پزشکیان گرفته‌اند و کسانی هم که معتقد به «دولت سوم روحانی» با ورود پزشکیان شکل می‌گیرد، «شکست در پیش‌بینی عجولانه» را تجربه کردند؛ تا جایی که تعداد وزرای معرفی‌شده از دولت شهید رئیسی، حتی بیشتر از دولت روحانی شد.

^[1] البته در صفحه ۸

^[2] البته در صفحه ۱۰